

دوره نهم تقدیمه

جلسه ۲۱

صورت مشروح

# مذاکره مجلس

( بدون ملاکرات فوق از دستور )

۲۱ خرداد ماه ۱۳۱۲ — ۱۷ صفر ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۶۵

قیمت اشتراك { سالانه } داخله ۷۵ ریال ، خارجه ۱۰۰ ریال  
تک شماره : دوریال

مطبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و یکم خردادماه ۱۳۱۲ (۱۷ صفر ۱۳۵۲)

## فهرست مذاکرات

- |  |   |
|--|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس                                       | ۴) بقیه شور لایحه تأسیس بانک فلاحی        |
| ۲) شور و تصویب لایحه تمدید مدت تحصیل معلمان اعزامی طرق   | ۵) تقدیم لایحه فروش قصبه شیبسترخانه امالی |
| ۳) تقدیم لایحه اعتبار ساختن بندر نو از طرف آقای وزیر طرق | ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه       |

( مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برینست آقای دادگر تشکیل کردند )

صورت مجلس روز پنجشنبه هیجدهم خرداد ماه را آقای مؤید احمدی ( رئیس ) قرائت نمودند

دولت راجع به تمدید مدت تحصیلی سی نفر محصلین فنون عملی راه آهن را با حضور آقای وزیر طرق مطرح نموده بالاخره با لایحه دولت موافقت و اینک عین ماده واحده پیشنهادی دولت را برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید

رئیس - عین ماده واحده:

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت طرفی اجازه میدهد مدت تحصیلی سی نفر محصلین فنون عملی راه آهن مقرر در قانون بیست و ششم مهرماه ۱۳۰۹ را از تاریخ اقبای دو سال تا ششماه تمدید نماید و مخارج آنها را از محل عایدات انحصار قند و شکر از وزارت مالیه دریافت دارد.

## ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس فطری بیست و یک ( گفته شد - غیر ) صورت مجلس تصویب شد.

## ۲ - شور و تصویب لایحه تمدید مدت تحصیل محصلین اعزامی طرق

رئیس - آقای وزیر طرق یادآوری میکنند که یک کار کوچکی دارند که پنج شش دقیقه بیشتر وقت نمی گیرد اگر موافقت فرمائید او مقدم باشد ( صحیح است ) خبر کمیسیون بودجه راجع به تمدید مدت تحصیل محصلین اعزامی وزارت طرق قرائت می شود:

خبر کمیسیون:

کمیسیون بودجه در جلسه اخیر خود لایحه نمره ۳۸۵۱

عین مذاکرات مشروح بیست و یکمین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون آذرماه ۱۳۰۵ )

دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

اعضای غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین بی اجازه - آقایان: نعلزی - محلوچی - محمود تابش - جیبی - طباطبائی روجردی - موثر - چایچی - ویرامدگان بی اجازه - آقایان: ملک مدنی - دکتر طاهری - احمدی - دکتر لادم - فرام - غریب زاده.



رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده خواستم از آقای وزیر طرق سوال کنم که بموجب همان قانون تبر ۳۰۹ ظاهراً اینجا يك پیشنهادی شده است که سالی چند قریب راه آهن شاگرد پاروی اعزام دارد ۲۰ قریب یا ۳۰ قریب قدم بر این بود که آیا این شاگردها مرتباً در این سالها اعزام شده اند و مقدارش چیست و اینها برای چه چیز پاروی می روند و بعلاوه آیا ممکن است که اینها را به تحصیلات عالی تری گماشت که ما را از هر جهت بی نیاز کند رفته رفته و ما محتاج نباشیم همروزه يك عده مستخدم خارجی را در این ممالک با حقوق گزافه استخدام کنیم بشر فرق نمیکند همه حواس دارند هوش دارند همه در فرا گرفتن معلومات مساوی هستند خوب است به بنده بفرمایند که این شاگردها مرتباً همه ساله میروند و تحصیلاتشان چه قسم خواهد بود و آیا وزارت طرق در نظر گرفته است که يك عده آنها را به تحصیلات عالی تری بگمارد یا خیر؟

وزیر طرق (آقای منصور) - بر طبق قوانینی که تصویب شده است راجع باعزام محصلین البته تا حالا عمل شده است عده لازم هم فرستاده شده است از این عده که اعزام شده اند شصت نفر برای تحصیلات علمی هستند که آنها مشغول هستند مهندسی عالی تحصیل میکنند و امیدواریم وقتی که تحصیلاتشان تمام شد همانطوریکه منظور ایشان است بدرد کارهای مهم بخورند و ما را از يك قسمت از قیون تخصصی بی نیاز و مستغنی نمایند بکسرت دیگرشان

هستند آنهایی که مشغول تحصیلات علمی هستند الا آن شصت نفر هستند که بتدریج فرستاده شده اند و دوره تحصیلاتشان تمام شده است شاید در سال آینده بتدریج تمام کنند و برگردند بقیه در قسمت علمی هستند آنها دوره تحصیلاتشان کمتر است و زودتر بر میگرددند دو سال غالباً بیشتر طول نداشته که آن دسته اخیرشان را حالا برای اینکه کاملاً شوند تا ششماه نندید می کنیم آن قسمت عده عملی تا حال قریب سی نفر بلکه بیشتر مراجعت کرده اند که در قسمتهای راه آهن و طرق مشغول خدمت هستند و در عمل هم معلوماتشان تکمیل می شود و وجودشان هم خیلی مورد استفاده است و بتدریج هم عده شان تکمیل می شود و آنهایی هم که مشغول تحصیلات علمی هستند که دوره کاملاً و زیادتری دارند گمان میکنم از سال آینده بتدریج برگردند البته آنها معلومات عالی دارند و بفراخور معلوماتشان از شان استفاده می شود.

رئیس - آقای سید که با عاده واحده موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۱۱۰ ورقه - مقدم شماره شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۱۲۰ نفر به اکثریت ۱۱۰ رأی تصویب شد

۴- تقدیم لایحه اعتبار ساختن بندرده لواز طرف آقای وزیر طرق

وزیر طرق - پیشنهادی است برای تقاضای اعتبار تهیه ساختن بندر دهنو تقدیم میکنم

- اسامی رأی دهندگان - آقایان: یونس قاسم و باب زاهد - دیر سهرابی - آقا رضا مهدوی - هراز - دکتر انجم - امامی - طوسی - سزوری - روحی - شریفی - مدلل - خواجوی - طالش خان - ملک زاده آملی - مرزا محمدخان وکیل - اعظم زنگ - میرباقر ساکینیان - امیر تیمور - منصف - مؤید احمدی - کاشف - عراقی - یات ماکو - فروزی - تویبخت - هفتی - دکتر ضیاء - دکتر ملک زاده - یات - کفائی - امیر ابراهیمی - حاج میرزا حسینخان طوسی - بلستانی - شاهرودی - حاج غلامحسین ملک - میرزائی - دادور - افسر - دستانی - جعفری - افندی - حاج محمد رضا بهبانی - اورنگ - قرشی - محسن خان فراگرو - مولوی - هزار جریبی - یوز سریش - ازگانی - افشار - نهرانی - کلزونی - دکتر سنگ - قوام - بیکرور - احتشامزاده - سلطان شیخ الاسلامی - لیتوانی - رهبری - طهرانی - دکتر طاهری - دکتر بهرامی - بنیادی - نفا الاسلامی - محیط - حاج قلی آقا و فرزاده - طباطبائی دیا - مصمم سنگ - دکتر امیر اعلم - دهنا - جریانی - فخری - ناصری - انبال - دکتر شیخ - احمد - هدایت - اعتبار - ملک مدنی - لاریجانی - مقدم - طباطبائی وکیل - قنوجی - دهستانی - سرآت اسفندیاری - دکتر صیپی - احمدی - کلزونیان - مسودی خراسانی - دکتر احتشام - تربیت - دکتر قول افغان - حسنعلی میرزا دولتشاهی - مزدقی - اسکندری - پارسا - مجدذالی - مؤید قوامی - نوابزیدی - دکتر لقمان - میرزا علی خان وکیل - بیرنیا - بنامی - ارباب کیخسرو و شاهرخ - غیر فرزند - عن آقا مهدوی - شیرازی - کورس - دریانی - میرزا یونس

۴- بقیه دور لایحه تاسیس بانک فلاحی

رئیس - ماده اول راجع باینکه فلاحی با اصلاحی که اخیراً مخبر آورده اند قرائت می شود:

ماده اول - دولت مجاز است بانک فلاحی و صنعتی و سهامی با سرمایه بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال تاسیس نماید. از باب تاسیس قسمتی از سرمایه این بانک دولت تمام دارائی بانک ایران از منقول و غیر منقول و مطالبات و غیره و دارائی فعلی شبه فلاحی بانک ملی ایران را (که پس از رد طلب صندوق قاعد از طرف دولت بدون منتقل شده است) بانک فلاحی و صنعتی جدید تاسیس انتقال خواهد داد

مناقصی که بابت سهام دولت نباید می شود تا آخر ۱۳۱۶ بر سرمایه بانک اضافه خواهد شد

وزارت مالیه می تواند يك قسمت از وجوه موجود و آزاد خزانه را نزد بانک فلاحی و صنعتی امانت بگذارد و همچنین از خالصات دولتی بشرطیکه هیئت وزراء تعیین خواهد نمود بدون آنکه مزایده لازم باشد به بانک مزبور اجازه بدهد

بدیهی است مطالبات و قروض بانک ایران و شبه فلاحی بانک ملی نیز بعهده بانک فلاحی و صنعتی بوده ولی تأدیبه قروض موکول بوصول مطالبات خواهد بود

بصره - مقررات قانونی که در موضوع مطالبات بانک ایران و مجامعات مربوط به آن مجری است عیناً در باره همان امور با وجود انتقال به بانک فلاحی و صنعتی مجری خواهد ماند

رئیس - آقای فرهنگند

مخبر فرهنگند - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده خیل خوشوقتم که حقیقتاً این لایحه امروز به مجلس آمده و حقیقتاً يك لایحه است که فلاحین و ملاکین این ممالک از آن استفاده میکنند و سابقاً که قانونی برای بانک فلاحی از مجلس گذشت

بهدری شروط و قیود سخت داشت که نهایتاً نتوانست معامله کند و نه مردم نتوانستند از آن بانک استفاده کنند ولی با نظریات عمیق آقای وزیر مالیه و معالمانی که در اینصورت جعل آورده اند که آن لایحه عملی نیست و این لایحه را پیشنهاد کرده اند به مجلس و بدیهی است که همه آقایان باین لایحه موافقت لایحه است که حقیقتاً همه مردم از آن استفاده میکنند لکن بنده يك تذکری داشتم به آقای وزیر مالیه که لازم دانستم در این موقع عرض کنم خاطر همه آقایان هست در تمام لواجیحی که از این قبیل بوده است دولت همیشه بد نظر داشته و این عبارت را همیشه پشت تریبون با جای دیگر فرموده اند

که دولت باید در هر کاری لازم فلاحی را در نظر بگیرد و البته این حرف منطقی و صحیحی است لکن من میخواهم عرض کنم این لازم فلاحی را باید تشخیص داد همین کرد که کجا اهم است این را وقتی تشخیص دادیم آنوقت البته لازم فلاحی را باید طلب عملی و صحیحی است لکن باید تشخیص را بدهیم حالاً تصور میدهم بنده در این جا از موقع استفاده کردم يك تذکری بدهم. خاطر آقایان هست در سال گذشته در روز ۲۷ تیرماه يك سیلی آمد در کرمان و تمام قوای کرمان را خراب کرد بعضی مالکین که نتوانستند بعضی ملاکشان را آباد کردند ولی باقی دیگر همان حال خرابی باقی مانده است حتی بنده شخصی را سراغ دارم که شاید سه چهار پارچه مالک داشته است یکیش را آباد کرده است و دوسه فقره دیگر همانطور بحال خرابی مانده است و همچنین سایر مردم و آن دهاتی که خرده مالک بوده است آنها هیچوجه نتوانستند این است که چندین ضرر خورده است يك ضرریکه محصول نشده است الا آن آن دهاتی که باید نان کرمان را بدهد نیست، وجود ندارد عرض میکنم گندم در کرمان در آخر سال بسی تومان رسیده است تیریزی و حالاً که جنس گندم سیرات دست آمده و ارزان شده است بیست تومان است که در هیچ جای ایران باین گرانی نیست و ثانی بر این دعوت این دهات بکار مانده اند که وقتی که بنا شد ده رعیت و فلاحین از بین برود و برود دنبال کارش همه گرسنه فقیر و بیچاره نالاً مالکینش از بین رفته اند و با خود



دولت ضرر خورده وقتی ده باشد دارای عایدات باشد صدی سه و نیم بدولت داده نمی شود پس هم بمالك ضرر خورده است هم بدولت ضرر رسیده است هم رعیت پراکنده شده است هم جنس نیت ودولت هم البته بقدری که توانسته اند بنده نمیخواهم باصطلاح ناشکری کرده باشم در مواقعی دستگیری کرده اند ولی چه بوده است؟ آنقدر که فلان جمعیت از گرسنگی نمیرند پنجهزار تومان اعلیحضرت همایونی پول فرستادند و اتفاقاً می توانم عرض کنم چندین هزار نفر را از گرسنگی نجات دادند و حقیقتاً می توانم عرض کنم اگر آن وجه رسیده بود مردم از گرسنگی مرده بودند برای اینکه وسایل اعانت نداشتند يك وجه های دیگر هم داده شد که آنها هنوز به صرفش نرسیده است و بدرد مالك هم نمی خورد پنج هزار تومان اعانت که برای فقیری که خانهاش خراب شده است داده اند این را بمالك نمیدهند که يك میلیون یاصد هزار تومان ملك دارد. این یکی. مسئله دوم اینکه فرض کنید فلان مالك اعتبار هم دارد ملك هم دارد گرو بگذارد اما کی پول دارد؟ برای اینکه سابقاً در این شهر سه چهار میلیون تومان وارد می شد برای خرید قالی ولی حالا هیچ وارد نمی شود پول نیست که فرض کنند بنده عقیده ام این است که دولت در افتتاح این بانک الاهم فلاحی را همانطور که همیشه رعایت کرده اینجا هم رعایت بکنند یعنی باید اول شعبه بانک را در آن ولایاتی که بیشتر احتیاج دارند باز کنند و از ملاک همان ملك آبادشان را البته گرو بگیرند و فرع هم بگیرند از این بیست میلیون اگر دو میلیونش را يك میلیونش را اختصاص بدهند به شعبه فلاحی کرمان دویست هزار تومان بمالكین قرض بدهند هم املاك آباد می شود هم رعایا بکار می رسند هم دولت صدی سه و نیمش را بگیرد و هم پول بانک بکار افتاده بدهم البته تظا که مهمتر است اینکه بنده مخصوصاً عرض میکنم در کرمان دست است همه جا ایران است لکن امروز محتاج ترین اهالی ایران اهالی کرمانند بنده نمیخواهم اینجا روضه بخوانم که اهالی کرمان بچه حال فقیری افتاده اند لکن همینقدر عرض میکنم که املاك که رفته است قلی که

سالی چهار پنج میلیون خریده می شده خریده نمی شود حالا باین مردم چه میگردد البته معلوم است و لازم نیست بنده تذکر بدهم استدعا و تقاضا میکنم از آقای وزیرماده که يك توجه مخصوصی فرمایند و يك شعبه بانک فلاحی در کرمان با سرمایه لااقل يك میلیون ریال آنجا افتتاح فرمایند و شروع کند آنجا قرض دادن بملاكین و املاكشان را هم گرو بگیرد فرع هم مطابق قانون از شان بگیرند که آنها هم وسيله داشته باشند املاكشان را آباد کنند عرض بنده این تذکر و این استدعا بود

**رئیس - آدی طباطبائی موافقت؟**

**طباطبائی دینا - سابقاً بر حسب قانونی بانک فلاحی**

شعبه بانک ملی تشکیل شد و چنانچه خاطر محترم آقایان نمایندگان مسبق است این بانک فلاحی که شعبه بانک ملی بود کاری نکرد و بالاخره نتیجه هم نبخشید غریب اینکه يك مبلغ معتابیهی بخزانه دولت ضرر خورد البته دولت هم در مقام عمل ملاحظه کردند و دیدند که این شعبه بانک فلاحی فایده و نتیجه ندارد این است که خواستند تبدیل کنند این شعبه بانک را يك بانک فلاحی مستقلی و این لایحه را آوردند ولی بقیه بنده باید تبدیل یا حسن باشد یعنی يك چیزی که در عمل دیده شده که يك تایید خوبی ندارد يك چیزی که جای اومی آوردند باید از او بهتر باشد و اساساً این مسئله هم مسلم است که يك بانکی که میخواهد در واج پیدا کند ترقی کند عمده اساس آن سرمایه است بانک اگر سرمایه کافی نداشته باشد و يك سرمایه مختصری داشته باشد برای يك مقصود مهم که حقیقتاً فلاحت عموم مملکت است معلوم است این بانک فلاحی فقط برای مرکز تنها نیست چنانکه آقای مؤید احمدی هم فرمودند متلاً بانک کرمان خیلی احتیاج دارد آذربایجان خیلی احتیاج خراسان خیلی احتیاج دارد تمام ایالات و ولایات احتیاج دارند فلاحت و چنانکه عرض کردم سرمایه این بانک هم باید خیلی اهمیت داشته باشد ولی متأسفانه در این لایحه سرمایه که ذکر شد اولاً بیست میلیون ریال بدو بیست میلیون ریال محاش هم همین شده فقط دو مصل برای این سرمایه همین می شود اینجا یکی بقیه دارائی شعبه بانک فلاحی سابق است یکی هم دارائی بانک ایران از منقول و غیر منقول از دارائی قلی

شعبه بانک فلاحی بنده اطلاع ندادم که دارائی قلی او چه مبلغ است مبلغ مهمی هست یانه ولی از دارائی بانک ایران که اجمالاً اطلاع دارم غیر منقولش برای بانک چندان فایده ندارد فرض فرمایند بانک ایران يك املاكی دارد خیلی هم صحیح و خوب ولی تأسیس بانک برای معاملات است که به زارع و فلاح قرض بدهد و بمالك قرض بدهد که آنها هم مشغول فلاحت باشند بانک فلاحی حالا يك املاك زیادی در خارج دارد اهدیت ندارد منقولش هم يك چیز مهمی نیست یعنی يك مبلغ معتابیهی نیست پس حقیقتاً به اندازه خوب این قانون امروز دولت هر چه میخواهد با بانک فلاحی عمل کند یکی بقیه دارائی بانک فلاحی سابق است یکی هم دارائی بانک ایران است این دو دارائی بقیه بنده چیز معتابیهی نیست برای پانی هم که محلی معین نشده است در فرا کسبون هم در چند روز قبل بنده يك توضیحی از آقای وزیرماده خواستم ایشان هم توضیحی کاملاً دادند راجع ببقیه این سرمایه. این است که در اینجا هم بنده برای اطلاع عامه میخواستم که آقای وزیرماده يك توضیح کاملی بدهند که اولاً این سرمایه دو میلیون برای بانک يك سرمایه کافی خواهد بود یانه؟ يك توضیحی اگر مفصلاً میدادند خوب بود یکی هم يك عبارتی در اینجا ذکر شده که وزارت ماده می تواند يك قسمت از وجوه آزاد خزانه نزد بانک فلاحی و صنعتی امانت بگذارد این عبارت امانت دایم عقیقه ندارم امانت بگذارد مقصود این است که آموا جریان بندازند یا جریان بندازند و اگر امانت صرف باشد که فایده ندارد و اگر برای جریان انداختن است که باید يك عبارت دیگری بگذارند که بانک مجاز است که وجوهی را که از خزانه تحویل می گیرد بجزریان بندازد و مردم قرض بدهد در يك مدت معین حالا غیر از این باشد فرض فرمایند که يك مبلغ معتابیهی هم از خزانه دولت بانک دادند ممکن است فردایش هم بایند و مطالبه کنند البته بانک دیگر نمی تواند این مبلغ را بجزریان بندازد بنابراین باید پول تا يك مدت معین معتدی در نزد بانک باشد و بانک مجاز باشد که بجزریان بندازد و بقیه بنده اگر يك کلمه بگذارند که وافی باشد بهتر است

**وزیر مالیه (آقای تقی زاده) -** آثار ارجع به سرمایه بانک فرمودند بنده آن روز هم عرض کردم سرمایه بانک در ابتدا لازم نیست که سرمایه کلی باشد و اگر چنانچه بانک فلاحی با اندازه بانک ملی بلکه با اندازه نصفش هم سرمایه داشته باشد باید آقا البته راضی باشند آقایان میداند که بانک ملی هشتصد هزار تومان یا هشت میلیون ریال سرمایه دارد این بانک هم در بدو امرش آنقدر سرمایه تأدیه شده خواهد داشت ولی بدهایشتر خواهد داشت البته بانک ملی هم در این چهار پنج ساله سرمایه اش زیاد نشده ولی عنقریب زیاد خواهد شد برای اینکه مطالباتش را وصول میکند و املاك غیر منقول را می فروشد و زیاد می شود عجباً سرمایه این بانک عبارت خواهد بود از آنچه که فعلاً در موقع تشکیل رسمی که به ثبت می رسد و تشکیل می شود که باید تأدیه شود يك نك سرمایه هم تأدیه شود کافی است با چهار عشرش هم تأدیه شود چهار صد و هفتاد هزار تومان تقریباً پول نقد بانک ایران دارد و قریب دویست و بیست هزار تومان یا چیزی بیشتر از موجودی نقدی شعبه بانک فلاحی باقی است یعنی شعبه فلاحی بانک ملی خودش پولی نداشت پول بانک ملی پیش او بود و دولت هم پیش بانک یاصد هزار تومان از وجوه قاعد برای پنجال گذاشته بود که او بتواند مصرف کند ولی همه آن پول مصرف نشده بود و تقریباً دویست و نود هزار تومان اینقدرها مصرف شده بود یعنی داده شده بود بانک و حالا که آن حساب را تصفیه کردند قریب دویست و بیست هزار تومان یا دویست و بیست و پنجهزار تومان بانک فلاحی داده می شود و علاوه يك مقداری املاك غیر منقول دارد البته اموال غیر منقول شاید سرمایه نقدی نیست ولی قابل فروش هست و املاك خوبی است که قوری هم می تواند بفروشد و نقدی کنند مطالبات هم هست بانک ایران مطالبات زیادی هم دارد و مطالبات سهل الوصولش هم مبلغ معتدیهی است در صورتیکه فروشنش را هم بدهد باز مبلغ زیادی از آن مبلغ باقی خواهد ماند ولی بانک فلاحی قرض فرمایند که هیچکدام از اینها را هم نداشت باصدا



هزار تومان سرمایه اساسی داشت ولی وقتی که بکار افتاد و جریان منظمی پیدا کرد دولت می تواند از وجوه دولتی پیش بانک بگذارد حالا آقا میفرمایند خوبت عبارت امانت را تغییر بدهند و عبارت دیگری بگذارند خوب بود خود آقا يك عبارت دیگری میفرمودند اساساً این بولهای را که دولت با مردم پیش بانک میگذارد اصطلاح مسئولیت هم همین است که میگویند بول فلان آدم پیش بانک امانت است در جاهای دیگر هم معمول است فرنگی ها هم هدیه می گویند و البته این بول را نوی يك کیسه نمی بندند که سرش را هم مهر کنند و بدهند به بانک که در صندوقش امانت نگاه بدارد خبر البته بچربان می اندازد فقط يك نکته آقای دیا فرمودند صحیح است و آن این است که وجوهی که نزد بانک فلاحی گذارد می شود باید که حتی الامکان طویل المدت باشد چونکه فرضهایی که بانک فلاحی بر مردم میدهد بیشتر قبل المدة است یعنی هم قبل المدة دارد و هم طویل المدة اگرچه اساساً همان که چاپ می شود ملاحظه میفرمایند و در دولتی هم که امانت میگذاردند اگر قبل المدة باشد بانک قبول نمی کند و بدرش نمیخورد و اگر سه ماهه پیش بانک فلاحی بول بگذارند قبول نمی کنند چون نمی تواند با آن بول کاری بکند پس باید تا يك مدت طولی پیشش باشد و البته این نکات هم مراعات می شود و انشاء الله مردم هم وجوهی پیشش میگذاردند و دولت هم میگذارد و بالاخره کارهای خیلی مفیدی هم خواهد کرد. بنده چون جوانی به آقای ژید احمدی هم عرض نکردم حالا عرض میکنم البته شاید یکی از مفیدترین کارها که بشود بر مردم کمک کرد همین مسئله آبیاری و سدبندی و اینها است مقصود هم این نیست که این بولها همه اش در طهران مصرف شود بلکه باید در ولایات دور دست که بیشتر احتیاج دارند صرف شود ولی البته باید بتدریج و بطور عاقلانه و حکیمانه این کار بشود و کم کم بعضی شعبه ها دائر کرد ولی اگر قاضاهای زیادی بشود و فشار بیاورند و زور بیاورند که در همه ولایات شعبه تأسیس کنند فایده ندارد چون شعبه بمجرد تأسیس يك مخارجی دارد و

بمجرد تأسیس فایده هم ندارد ولی البته باید بتدریج شعبه های دائر کرد برای اینکه بانک فلاحی مال طهران تنها نیست و ویشترش بایستی در ولایات باشد

رئیس - آقای فرشی

فرشی - بنده در قسمت آخر ماده اول میخواستیم يك توضیحاتی بخواهم می نویسد: بدیهی است مطالبات و فروض بانک ایران و شعبه فلاحی بانک ملی نیز بدهد بانک فلاحی و صنعتی بوده ولی تأدیبه فروض موکول به وصول مطالبات خواهد بود. در اینجا يك اشکالی ممکن است پیش بیاید که بنده میخواستیم یا توضیح داده شود و با اصلاح شود و آن این است که بانک ایران وقتی که اسامی بانک استقرانی روس بود و خوشبختانه با يك مطالبات و قروضی بدولت ایران منتقل شد و حالا دولت بتدریج از مطالباتش وصول کرده و قروضش هم تأدیبه میکند و مقداری هم باقی است را اینکه اشاره می شود که مزید از این هم از مطالباتش وصول خواهد کرد و قروضش را تأدیبه خواهد کرد این صحیح است ولی ذکر شعبه بانک فلاحی در ماده اساسی نیست و هر دو را هم در يك ردیف نوشته است و این غیر عادلانه خواهد بود زیرا شعبه بانک فلاحی يك شعبه از بانک ملی است و اگر قروض داشته است این شعبه باید مطالبات او را وصول بکند و قروض او را بدهد بنابراین بنده این را منطقی نمیدانم و معترضم که این ماده اینطور اصلاح شود: ولی تأدیبه فروض بانک ایران موکول بوصول مطالبات او خواهد بود و در این باب يك پیشنهادی هم عرض کرده ام

وزیر مالیه - صحیح میفرمائید اگرچه منظور هم همین

است ولی برای توضیح ممکن است نوشته شود که قروض بانک ایران مربوط بوصول مطالبات همان بانک خواهد بود

رئیس - آقای قزل باغ

قزل باغ - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض میکنم در این ماده راجع باخفایارات این بانک کلیه اختیار داده شده که هر طوری که بانک در نظر بگیرد مجبورند عمل بکنند و دیگر مواد و

شروطی قائم نشده است البته این هم بعقیده بنده خیلی خوب بوده است ولی بنده میخواستم يك نکته را در اینجا تذکر بدهم و تصور میکنم مفید باشد و آن این است که اساساً بانک فلاحی باید حاوی این باشد که يك احصائیه زوضیت فلاحی و زراعت این مملکت و سایر اداره فلاحی تهیه کند و همیشه متوجه باشند که هر جا که بیشتر احتیاج دارد بانک فلاحی به آنجا کمک بکند بول را و سرمایه را ابتداً به آنجا اختصاص بدهند (دکتر طاهری - اداره فلاحی که اطلاعی ندارد) اگر هم اطلاعی نداشته باشد باید احصائیه بعقیده بنده تهیه کند زیرا دولت مقصودش از تأسیس این بانک این بوده است که بفلاحین و زارعین کمک کرده باشند و باید این را تصدیق کنیم که در مملکت ما احتیاج بقرضه خیلی زیاد است و علاش این است که ملاکین احتیاج دارند که البته يك بولهای را قرض کنند برای عمران و آبادی ملکشان که آنها هم انواع و اقسام مختلفی دارند ولی دولت که يك منظوری دارد و همینطور آقای وزیر مالیه در کمیسیون هم فرمودند که فعلاً سرمایه زیادی نیست و برای اینکه توسعه داده شود که تمام مملکت در احتیاجش شود بعقیده بنده باید بانک فلاحی این را در نظر بگیرد که هر جا که بیشتر احتیاج دارند زارعین و ملاکین این بول را به آنجا اختصاص بدهند برای اینکه اگر چنانچه اطلاع نداشته باشند ممکن است يك واحی که بکندری وضعیت زراعتشان بهتر است یا ملاکینش می تواند به زارعینش کمک بکند آنوقت این سرمایه در دسترس آنها واقع شود و آنها استفاده کنند آنوقت زارعین و ملاکین دیگری که استعداد آبادی املاکشان را ندارند محروم بمانند این نکته را بنده خواستم در این جا تذکر بشوم که مخصوصاً بانک فلاحی در نظر بگیرد زیرا مقصد از تأسیس این بانک يك کمک غیر مستقیم است زارعین بعنوان قرضه و البته خیلی هم خوب است و يك نظری بوده است که از چند سال پیش بوده و حالا بانک صورت بهتری آقای وزیر مالیه آورده اند بمجلس ولی بعقیده بنده این نکته را بایستی بانک فلاحی در نظر بگیرد که آن منظوری که در نظر است که در واقع کمک

زارعین و خرده مالکین تقاطعی است که احتیاج دارند تأمین بشود.

وزیر مالیه - تذکری را که آقای ملک مدنی دادند برای بانک فلاحی این يك تذکری است برای ما در عمل و امیدواریم رعایت هم بشود برای اینکه منظور اصلی از تأسیس این بانک فایده بردن نیست برای این که ممکن است بول دولت یا بول خود بانک در امور تجارتنی بیشتر فایده بدهد تا در امور فلاحی منظور عمده همان گشایش کار فلاحین و خرده مالکین است و البته منظور هم همین است که به آن ولایاتی که بیشتر احتیاج دارند کمک بکنند و امیدواریم همین طور هم بشود ولی این را عرض میکنم که این بانک از حالا باید يك چند ماهی يك تصدیقی بگیرد و بعد شروع بکار کند یعنی در طهران تأسیس می شود بعد می رود بولایات و البته آن ولایاتی که بیشتر احتیاج دارند آنها را قبلاً در نظر میگیرند

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - در این لایحه نوشته شده است بانک فلاحی و صنعتی که بنده تصور میکنم کلمه صنعتی زائد باشد برای اینکه بانک فلاحی برای ترویج و تکثیر زراعت است و البته ما نمیگوییم صنایع کمک نکند البته ممکن است بیوسانات صنعتی هم کمک بشود ولی خوب بانک ملی هم هست و ممکن است بانک شرطی بیوسانات صنعتی هم قرض بدهد ولی يك مملکتی که مملکت فلاحی است و اوضاع و احوالش تمام بر روی فلاحی اداره می شود بنده تصور میکنم که اگر بانک فلاحی اهتمامش را در این بکند که زارعین و فلاحین کمک بکند خیلی باید از او متشکر باشیم و همین وظیفه را که انجام بدهد خیلی قابل تقدیر است و بنده معتقدیم که قسمتهای دیگری را با توجه کنیم این یکی مسئله دیگری را که من باب تذکر میخواستیم عرض کنم این است که بالاخره ما نیابستی مغرور باشیم یعنی چیزهایی را که نمیدانیم باید یاد بگیریم اگر با اساساً دیگران نگاه کنیم اگر نظاماتی که در سایر نقاط است تحت نظر بیاوریم و ببینیم آنها چه کردند و ما هم



تاسیساتمان را روی همان موازین بکیم تصور میکنم که هیچ ضرری نداشته باشد اقالیمی که با اقلیم ایران موافق است و یکی است مثل مصر و الجزایر مناطقی است در آنجاها که بانک فلاحتی تاسیس شده است مخصوصاً مصر که سالها است این کار را کرده است و فلاحتش هم فوق العاده نزدیک است به فلاحت ایران چون در قسمت پنجه کاری شاید مصر در درجه دوم است و فوق العاده است بنابراین بانک فلاحتی مصر سابقه دارد مثلاً اگر نظامنامه بانک فلاحتی مصر را بخواهیم اساننامه اش را بخواهیم و بهریم آنها در قسمت کمک فلاحتین وزارت عین چه کمکهای کرده اند و چه قدمهایی برداشته اند که امروز باین مرتبه ترقی رسیده اند ما هم اگر از آنجا شروع کنیم بپوش بپوش بپوش بپوش تصور میکنم که بهتر نتیجه بگیریم و بهتر بمقعود برسیم بنده خیال میکنم که اساس تاسیس بانک فلاحتی برای کمک و مساعدت بخردن مالکین است برای اینکه مالک کل یعنی کسیکه مالک زیادی دارد شاید تهیه پول برای او چندان مشکل باشد و ممکن است از بانکهای دیگری قرض بکند و ممکن است از اشخاصی که پولهای بیکار دارند قرض بکند چون بانک اعتباراتی و بالاخره دارای يك مايلهگی است که مورد اعتماد و اطمینان است و همیشه تهیه پول برای این قبیل اشخاص سهل است ولی برای خرید مالک که باید صد تومان تهیه بکند یا دوست تومان تهیه بکند یا بخواهد يك گاو تهیه بکند و احتیاجات خرده خرده دزد برای او مشکل است تهیه پول این است که بانک فلاحتی فقط و فقط برای کمک به این قبیل خرده مالکین است که بالاخره زراعت و فلاحت در مملکت شروع بشود و این خرده مالکین ازین نروند و بنده نمیدانم که این بانکی که مد نظر است تاسیس شود آیا نظرش این است؟ اگر چه آقای وزیر مالیه فرمودند که ما این لایحه را به نظرش کردیم و در لایحه سابق يك شرائطی داشت و در آنجا قید شده بود که پول بکسانی قرض داده می شود که يك محصولاتی تهیه میکنند که آن محصولات بخارج برود

و بصادرات مملکت کمک میکند با اینکه قرض داده می شود بکسانی که برای اجزاء قوای کهنه یا احداث قوای جدید میخواهند يك مصارفی بکنند به آنها قرض داده می شود گویا يك همچو شرایطی بود این جا در ماده يك همچو قودی ندارد و نمیدانم در اینجا هم رعایت می شود یا نه؟ یکی دیگر در ماده دارد که دولت می تواند که بانک فلاحتی و صنعتی پول بدهد گویا عبارت همچو چیزی است این یعنی چه؟ یعنی کارهای دیگری هم می تواند بکند اگر می تواند بکند که این بانک فلاحتی نیست و بنده تصور میکنم اگر چنانچه این بانک تمام اوقاتش را صرف فلاحت و زراعت و کمک به خرده مالکین بکند (البته با نظارت دولت) آنوقت خوب عمل کرده است نه اینکه قمع و عایدی برده باشد برای اینکه ما انتظار قمع و عایدی بلکه تصور میکنم ناده مالیت سال دیگر هم نباید داشته باشیم بلکه دولت باید نگاه بکند و ببیند که چه کمکی کرده است بزراعت و چه ترقیاتی در فلاحت و زراعت حاصل شده است این را باید در بانک فلاحتی دولت در نظر داشته باشد و البته نظر به مقتضات نداشته باشد چنانچه خود آقای وزیر مالیه هم فرمودند که ما حالا در نظر نداریم که بانک فلاحتی به ما منفعتی بدهد و بنده يك پیشنهادی هم عرض میکنم و این بانک کارش این است که فقط باید از این قسم معاملات بکند و اگر مختار باشد بطوریکه این ماده از مجلس بگذرد که معاملات دیگری هم بکند این تصور نمیکم که ما را بمقعود برساند یکی دیگر باز در ضمن ماده داشت که املاکی را بدون مزایده می تواند اجاره کند این را بنده فهمیدم بنده تصور میکنم اگر يك زارعی هم که حقیقاً مقودش زراعت است دولت هم تشخیص داد که این زارع میخواهد زراعت بکند اگر آمد و از بانک فلاحتی خواست قرض کند بنده عقیده ام این است که دولت هم باز کمک بکند و بدون مضایقه با قرض بدهد و بانک فلاحتی هم بگوید که بین شخص قرض بدهد

برای اینکه مقودش زراعت است مقودش اجزاء فلاحت است حالا بانک چطور میخواهند بدون مزایده اجاره بدهند که زراعت کند بنده نمی فهمم اگر يك مؤسسه انتفاعی است که منافعی در آخر سال میخواهد تهیه کند آن يك مطلب دیگریست در صورتیکه تصدیق میکنم که فقط مقود آقای وزیر مالیه این باشد که بانک فلاحتی بخرد مالکین و به زراعت مملکت ابتداء کمک بکند و البته وقتیکه سرمایه پیدا کرد و از این حیث راحت شد بدینکین عمده هم قرض بدهد و هر قدر توسعه پیدا کرد و عمده شد کمکهای عمده هم بکند این قسمت ما را بنده استدعا دارم که اصلاح شود و آن قسمت اجازه هم اصلاً حذف شود و بنده عقیده ام این است که موضوع اجازه نسبت بزراع عمل شود زیرا وقتی که بکنفر زارع آمد و خواست ملکی را اجاره کند و دولت هم تشخیص داد که این زارع خوبی است و عملیاتش خوب بوده است و مقودش هم زراعت است بانک با قرض بدهد دولت هم باز کمک بکند البته بانک که نمیتواند زراعت بکند این بود عرایض بنده

**وزیر مالیه** - در يك قسمت از فرمایشات آقای طهرانی تصور می کنم به دقت لایحه را مطالعه فرموده باشند اولاً در مفاد لایحه گفته شده است که برای خرده مالکین است در درجه اول و برای رعایائی که میخواهند آنها را بدار کنند ولی البته منظور این نبوده است که در خود قانون تصریح شود که به ملاک عمده هیچوقت در آتیه هم داده نشود ولی البته عملاً خرده مالک را مقدم میدارند و البته ابتکار را خواهند کرد و عمده منظوراتی که آقای طهرانی بیان فرمودند و قصد دارند بعمل خواهد آمد ولی يك نکته باید معلوم شود که این بانک فلاحتی را هم باین نظر ملاحظه فرمائید که این يك اداره خیریه است که به بیندگی میخواهد احیای قنات بکند یا کسی میخواهد فلان چیز بکارد این برای این باز نشده است که

در کجا فلان کس چه میخواهد بکارد و فلان بکند این کاری باین کارها ندارد اگر هم يك قانونی ایجاد کرده اند البته دولت و اداره فلاحت هم باید کمک هائی بکنند باین امور ولی بانک فلاحتی باید باشخصی که میخواهند واقعاً کار بکنند و اعتبار کافی هم داشته باشند که پول بانک هم بدانند از بین نرود برای اینکه گشایش بانها بدهد پول قرض بدهد و اینکه نوشته است میتواند اگر نتوبسند که میتواند این معاملات را بکند یا باید بگویند که حق ندارد بکند یا باید بگویند که تمام معاملات را از هر قسم بتواند بکند ولی خیر این جور که نمی شود هر معامله را که مجبور نیست بانک فلاحتی بکند مثلاً گروهی بتواند بگیرد فلان کار دیگر را هم بتواند بکند البته باید انواع و اقسام کار های بانکی بتواند بکند و اجازه هم باید داشته باشد والا این بانک فقط محدود میشود بقرض دادن بزراع و کار دیگری نمیتواند بکند است هم نمی تواند بگیرد - يك نکته دیگر هم این است که کلیه محدود کردن قرض دادن و اعتبار دادن ب مردم را برای يك عمل مفید و صحیحی این درست نیست برای اینکه اگر بگویند که هر کس قنات بخواهد در بیاورد معنایش این نیست که بانک وقتی که يك پولی قرض میدهد يك مامور هم بفرستد هر هفته که سرکشی کند و ببیند که قنات پیش میرود یا نه قانون سابق این طور بود مخصوصاً در اساننامه اش بود که مامور باید برود به بیند مثلاً لایحه اش در چه حال است یا درخت بزرگ شده یا نشده این اسباب زحمت کلی است و کار بانک نیست یا به بیند فلان آدم چه چیز دارد فلان چیز را دارد یا نه و بداند بانک که بپوش هم تلف نمیشود البته بانک می بیند که این آدم میخواهد قنات در بیاورد و کار مفیدی بکند این آدم در عمل چون بانک دولتی است بانک شخصی که نیست و برای ملت کار میکند به بیند این کسیکه میخواهد واقعاً اصلاحاتی بکند اینها را مقدم بدارد والا نمیشود شرط کرد که بانک اعتبار بدهد برای همه و



مجبور هم هست ممکن است یکی بگوید قنات در مياورم بگیرد بعد هم در مياورد و مرافعه هم که نمی تواند بکنند ولی فرض دادند بخورده مالک يك فایده دارد و آن این است که بخورده مالک و زارع هم وقتی که فرض میدهند هیچ لازم نیست مراقبت کنند و حتماً این کارها را میکنند نمیشود که باو فرض بدهند در اینجا و او در اصفهان بعد برود بنشیند و خرج کند ولی وقتی که بمالک عمده فرض میدهد حتماً نمیتواند مطمئن بشوند برای آن چیزی که اسم میبرد خرج خواهد کرد و قرار ثابتی هم با او به بندد بعد هم مراقبت کنند که او قنات در مياورد همان کاری را که گفته است خواهد کرد - البته مالک است معتبر هم هست آدم معتبری است پول هم تلف نمیشود ولی بآن منظوری که نظر بانک و همه است مطمئن نمیشود شد که عمل میکند و آیا بمصرف میرساند یا نه ولی بزارع و رعیت و خرده مالک که بدهیم بقیماً مطمئن میشویم که بهمان مصرف میرساند و خرج میکند.

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادی از آقای افشار رسیده است:

مقام محترم ریاست دامت شوکه

بنده پیشنهاد میکنم جمله: بدیهی است - از ماده يك حذف شود.

**اشار** - پیشنهاد بنده فقط يك اصلاح عبارتی است چون در مراسلات و مقالات ممکن است همچو چیزی را بنویسند ولی در قانون که باید يك تون آمرانه داشته باشد (یکی از نمایندگان - تون دیگر چه چیز است) گذاشتن لفظ بدیهی خوش آیند نیست از این جهت بنده پیشنهاد کردم حذف شود و حذف این جمله هم ضروری بماده يك نمیرساند و منظور آقای وزیر مالیه هم تأمین میشود.

مخیر ۳۳ پیون - عیب ندارد حذف میکنیم این جمله را.

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا:

پیشنهاد میکنم در لایحه جمله وزارت مالیه الی آخر اصلاح ذیل بعمل آید:

قاعده بانکی این است (صحیح است) حالا اگر بگویند فرض بفرمائید که امانت بگذارند پیش بانک و بانک هم حق داشته باشد آنرا بجزایان بیندازد خوب البته بانک که آنرا نمی بندد توی يك کیسه و درش را مهر و موم کند و بگذارد آنجا (خنده نمایندگان - صحیح است) این واضح است البته مطابق مقررات بانکی آنرا بمصرف میرساند (صحیح است) این بدیهی است و بنده عرض نمیکند که پیشنهاد آقای افشار است. خیر ولی این جزء بدیهیات است پول گذاشتن دولت پیش بانک یا مرده پیش بانک. مثلاً الان و دایمی پیش بانک در بیم انواع و اقسام این معنایش این است بطوریکه گذاشته اند تلف نشود مال ما و هر وقت هم بخواهیم بدهند بما و امانت لفظی است مصطلح و راجع در بانکها و هیچوقت هم اشکالی پیش نخواهد آورد (صحیح است) **طباطبائی دیبا** - بنده مقصودم این بود که بانک بتواند این وجوه را بجزایان بیندازد حالا که این توضیح را دادند استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای قرشی:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول در قسمت مطالبات و قروض بانک ایران از کلمه بدیهی است الی آخر بطریق ذیل اصلاح شود:

بدیهی است مطالبات و قروض بانک ایران و شعبه فلاحی بانکی نیز بماده بانک فلاحی و صنعتی بوده ولی تأدیه قروض بانک ایران و موقوف قروض بانک ایران خواهد بود

**وزیر مالیه** - این صحیح است بنده قبول میکنم.

**مخیر** - بنده هم موافقم ولی ایشان همان عبارت اولیه را نوشته و اصلاح کرده اند فقط اضافه کردن لفظ بانک ایران کافی است و آن عبارتی که نوشته ایم برای ماده اول مقصود ایشان را تأمین میکند.

رئیس - پس باید این را منطبقش کنید. این قسمت

از ماده با اصلاحاتی که شده قرائت میشود:

وصول مطالبات و تأدیه قروض بانک ایران و شعبه فلاحی بانک ملی

تیز بماده بانک فلاحی و صنعتی و دولتی تأدیه قروض و موقوف وصول مطالبات آن خواهد بود.

**قرشی** - تأدیه قروض بانک ایران و موقوف وصول مطالبات آن خواهد بود (صحیح است)

رئیس - تأدیه آن؟

**قرشی** - خیلی آسان است این. ولی تأدیه قروض بانک ایران و موقوف وصول مطالبات آن خواهد بود

**رئیس** - همین است که آقای مخیر گفتند (صحیح است)

بدیهی هم که حذف شد؟

**مخیر** - بل.

**رئیس** - آقایانی که با ماده اول با اصلاحاتی که شد موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - بانک فلاحی و صنعتی - همامی ایران میتواند کلیه معاملات را برای بسط فلاحی و صنعت مملکت بماده **رئیس** - آقای اورنگ.

**اورنگ** - بنده کاملاً با تمام این لایحه و مخصوصاً با این ماده همراهم و موافق لکن يك تذکری دارم که بیشتر شبیه است بمشاوره و عرض میکنم تا اگر آقای وزیر مالیه صحیح میدانند و صواب موافقت بفرمایند که يك قدری طریق اجرائی سهل تر بشود. عرض کنم که تسیس بانک فلاحی و صنعتی منحصرأ فقط برای این است که اراضی مخروبه آباد شود و رعایا بتوانند از زمین ها بهتر استفاده کرده باشند و مملکت هم در اثر این نیت آبادتر بشود. آقای وزیر مالیه در فراکسیون توضیح مفصل دادند راجع باینکه چون شرائطی در این لایحه ذکر نشده و عدم ذکر شرایط برای سهولت است و این توضیح هم درست است بجهت اینکه آن لایحه سابق که آمد با آن شروط عربی و طولیل معنی کلیه آن شروط این بود که هیچوقت معامله نمیشود. هیچ از خاطر نمیرود که يك شخصی بالای مقبری



نقل میکرد که فلان راه در فلان قسمت از عالم نه هزار سال راه است يك قسمتش اینطور يك قسمتش اینطور و يك قسمتش هم فلان طور مثلا و این قسم است. باریک است چطور است. یکی گفت بابا بگو راه نیست این تریبی که تو ذکر میکنی معنایش این است که راه نیست آن شرایط هم که بود حقیقت و حاصلش این بود که معامله نشود معامله هم نشود. لکن این چیزی که حالا ماموریت میکنیم درش این است که حالا که این لایحه تنظیم شده که بدون هیچ شرطی و بدون هیچ قیدی تصویب میشود معاملات کلیه بزرگان و بازرگانان و بازرگانان متعارف مثلا بانک ملی را بنده امروز مثل میزنم در بانک ملی اگر کسی بخواهد ملکی را بکند و بگذارد و در از قبول بگیرد مطابق اساس نامه بانک فعلاً یکی از شرایط اصلی و اولی ثبت شدن آن ملک است یعنی اگر کسی بخواهد برود آنجا و يك وره قباله ملکی را بگذارد آنجا و پول بگیرد اگر سند مالکیت نداشته باشد بانک ملی آن را قبول نمی کند و يك همچو معاملات نمی کند سایر بانکها هم همین طور باید باشند. از آن طرف تأسیس بانک فلاحی برای آباد کردن اراضی مخروبه و این چیزها است از آن طرف هم مشاهده می کنیم (البته تصدیق دارید) که در بعضی از نقاط مملکت هنوز اداره ثبت اسناد دایر نشده است و اگر هم شده باشد هنوز موفق نشده است که تمام املاک و اموال منقول و غیر منقول را ثبت کرده باشد فرض کنید در عراق شاید پنج بلوکش را بیشتر زرقه باشند یا در خوزستان (یکی از نمایندگان - کرمان) بلی کرمان - خراسان بنده از اسم بردن مراد لفظ است قیاس کنید جاهای دوردست کرمان را مثلا حالا قصد بنده از لفظ ذکر يك نام است. حالا اگر در این جا بحث نکنیم و برگردد معامله این بانک با اسامه های بانکهای دیگر خودش هم البته باین ترتیب و این قیاس در اساس نامه اش قید می کند که از مالکی که آن ملکش در آنجا ثبت شده است و وره مالکیت دارد یا او معامله می کند و اگر این قید را او در اساس نامه

خودش بگذرد غیر متعارف البته حرفی زده بلکه... و البته حرف زده است ولی با منظور آقا متباین است بکنندری آیا آقا صلاح نمی دانند و بهتر نمی دانند که بایک لفظی بایک چیزی این جا قید کنند که اعم از ثبت شده و ثبت نشده و همینقدر که وافی بقصود باشد بپسند که اگر ملکی واقفاً صحیح باشد قباله صحیح و مدرك صحیح داشته باشد قبالجات قدیمه هم در معاملات البته می توانست مالکیت مالك را در مقابل يك مؤسسه اثبات کند. الا آن هم که اداره ثبت اسناد می خواهد مرا مالك فرض کند با همان اسناد و قبالجات قدیمه مرا مالك فرض می کند و اعلان می کند فلان ملك را باین نام بانک هم همینطور باشد که حتماً وره مالکیت ملك ثبت شده را نخواهد برای دادن قرض بلکه بداشتن قباله و آثار و علامات و اموات مالکیت قناعت بکند اگر لازم میدانند این تذکر این جا داده شود و این کلام اضافه شود و اگر این جا لازم نمی دانند و صلاح نمی دانند در جاهای دیگر مثل هیئت وزراء و نظام نامه این را ذکر و قید کند که کار مردم سهل تر بشود و موجبات این سهولت فراهم شود والا من خیال می کنم که يك قدری از منظور آقا دوری آیم و منحرف می شوم

**وزیر مالیه** - تذکری که آقای اورنگ دادند ارتباط خیلی مستقیمی با این ماده ندارد این ماده منظورش این است که همه نوع معاملات بانکی را بتواند بکند اگر نظر آقا این است که اصلاً جریان معاملات بانکی اساس بر این است که حتماً ملك بگیرد و ملك ثبت اسنادی بگیرد که همچو چیزی در این جا نیست اگر بعضی بانکها این را تحت اختیار گذاشته اند دلیل این نمی شود که باید اینطور بشود و باید که حتماً این کار را بکند او باید اطمینان از پولش داشته باشد ضمن معتبری داشته باشد یا بایک ترتیب دیگری اطمینان داشته باشد البته این بانک هر اندازه که بخواهد برای مردم گشایش فراهم کند به آبادی و ترقی زراعت و فلاحیت هر اندازه بتواند خدمت کند کمک کرد آزاد باشد ولی در درجه اول باید نظرش این باشد که پولش تلف نشود برای اینکه اگر پولش تلف بشود هم بگذرد هم

که هست با اصل منظور ازین می رود این را بوساطت محتفی که اطمینان بخش باشد و اطمینان حاصل کند میدهد الا آن اساس نامه بانک هم محض اطلاع آقا عرض میکنم که حاضر است و در آن جا هم نوشته است که ثبت اسناد شده باشد و یکی از مقاصد عمده این بانک این باید باشد که جاهای خراب را آباد کند این خیلی صحیح است ولی البته جاهای آباد هم نباید بگذارند که خراب بشود یعنی آن کسی که يك چیزی دارد و در سحتی افتاده است این را می فروشد و در این عمل يك آدم پاداری بی یا می شود (صحیح است) در صورتیکه اگر دستش يك پولی مبرسد بطور مشروع و گشایش برایش می شد ملکش از دست نمی رفت (آفرین - صحیح است) و بی یمنی شد پس در درجه اول این را ملحوظ میدارد و البته بعد از آن هم انداخته که بکنندری توسعه بکارشان دادند جاهای خراب را هم آباد می کند (صحیح است - کافی است مذاکرات)

**اورنگ** - اکتفی است.  
**وگیس** - پیشنهاد آقای جمشیدی.  
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی:  
 ماده ۲ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:  
 ماده ۲ - بانک فلاحی و صنعتی ایران مکلف است کلیه معاملات خود را برای بسط فلاحیت و صنعت مملکت تخصیص بدهد.  
**جمشیدی** - عرض کنم که در این لایحه دولت و خیر کیسیون نوشته شده است اینکه بانک فلاحی و صنعتی ایران میتواند کلیه معاملات را برای بسط فلاحیت و صنعت مملکت بنماید و میتواند معنایش اختیاری است نه الزامی. بمقیده بنده همینطور که عنوان این بانک فلاحی و صنعتی است باید عملیاتش هم منحصر در بسط فلاحیت و صنعت باشد و الا چندی قبل در دوره ششم بانک ملی ایران هم اختیاراتش همین بود تجارت فلاحیت و صنعت و زراعت و این چیزها و جهت اینکه بالاخره آمد و عملیاتش منحصر در صرافیت شد

برای این بود که دید با این مبلغ نمیتواند اینقدر توسعه بدهد بمقیده بنده نباید سنك را اینقدر بزرگ انداخته و عملیات این بانک همینطور که عنوانش این است که بانک فلاحی و صنعتی است عملیاتش را هم منطبق با این دو موضوع بکند و منحصر کند به بسط فلاحیت و صنعت که ما شبجه بگویی و همین جهت هم بنده این پیشنهاد را کردم. (صحیح است)

**مخیر** - بگفته دیگر این پیشنهاد را قرائت کنید (در ترتیب ذیل قرائت شد)  
 ماده ۲ - بانک فلاحی و صنعتی ایران مکلف است کلیه معاملات خود را برای بسط فلاحیت و صنعت مملکت تخصیص دهد. (صحیح است)

**وزیر مالیه** - این يك اشکال دارد زیرا که این توضیح را ما اینجا نمیتوانیم جزء قانون بنویسیم اگر منظور از فلاحیت و صنعت بمعنی عام باشد که هیچ مانعی ندارد و همینطور هم میشود و باید هم همینطور باشد چون کاری غیر از این نباید بکنند. تأسف دارم از اینکه اساسنامه بانک همراه نیست البته این اساسنامه را که نوشته اند برای امروز نیست برای ده سال دیگر هم نوشته اند در اساسنامه يك چیزها و يك کارها نوشته اند که حالا میخواهند بکنند اینها را منظور کرده اند و تدریج میکنند و تماماً هم ارتباط با فلاحیت و صنعت دارد منتهی بعضی از ارتباطشان باین نزدیکی نیست که همان زراعت تنها باشد مثلاً قرض بفرماید يك شرکت فلاحی تأسیس و تشکیل میشود و از طرف این بانک میخواهد کمکی بآن شرکت شود البته این ارتباط با کار فلاحیت دارد و کمک باید بکند چنانچه در آن قانون شعبه فلاحی بانک ملی هم بود و از این قبیل چیزها در دوازه مطلب است که نوشته اند و شاید دوسه تایش را حالا شروع میکنند اما اگر وسعت زیادی داشت باید دست و بالش باز باشد که پولش بیکار نماند و بتواند کارهای مفیدی را بکند و کمک هایی بکند و از این جهت نوشته اند همه معاملاتی



را که ارتباط با صنعت و فلاحت داشته باشد میتواند بکند حالا بخواهید بفهمید که غیر از این بکند البته نخواهد کرد و تمام کارش منحصر بامور فلاحی و صنعتی است اما این را در تحت چه عبارتی بنویسیم که هر چیزی که بهر نحو ارتباط باصنعت و فلاحت داشته باشد بکند این قدری مشکل است. ملاحظه فرمائید منظور این باید باشد نه اینکه فرض و کمک فقط برای کاشتن نخ و فلاحت است فرض فرمائید که عمل آوردن عمل این تحت لفظ جزء فلاحت نیست ولی ارتباط دارد با تکثیر جنس کار و حیوان داری و اینها یا اصلاح جنس و نژاد حیوانات مستقیماً ارتباطی با فلاحت ندارد ولی منتهای است فلاحت و در توسعه فلاحت البته تاثیر دارد فرمائید که حیوان نگاه داشتن و حشم داری جزو فلاحت محسوب میشود و در واقع از حیوان داری پشم بدست می آید بعد آن پشم را میخواهند بفروشند کارخانه پشم درست میکنند که پشم را به یک کنند و پشم پاک خالص باب فرنگستان بعمل آورند یک چنین کارخانه برای فلاحین خیلی مفید است (صحیح است) برای اینکه مالشان را بشمن بخش بخارج نبروشند اما اگر یک ماشین پشم پاک کنی دالر کردند میگویند این ربطی به فلاحت ندارد از این جهت است که گفته اند اختیار داشته باشد که کلیه معاملات که ارتباط باصنعت و فلاحت داشته باشد بکند و غیر از این هم البته نخواهد کرد چون اساس نامه بانک و قانون بانک صنعتی و فلاحی است بانک فلاحی در حدود فلاح و صنعت کار میکند و بیش از آن و خارج از آن نمیتواند متلاکوتشواره کرو بگیرد و پول بدهد اینکار او نیست و نمیتواند این کار را بکند تحت لفظ هم نمیتواند بکند ولی در حدود خودش باید و سستی هم داشته باشد از اینجهت تصور میکنم عبارتی که نوشته شده و خود بانک پیشنهاد کرده منظورش این است حالا

اگر آقایان عبارت دیگری داشته باشند که واقعی مقصود باشد بنده عرضی ندارم ولی منظور همین است.

**چهارم** - در صورتیکه منظور همین باشد که در درجه اول کار بانک برای توسعه فلاحت و صنعت باشد (وزیر مالیه - بل بل) بنده ممکن است که پیشنهاد خودم را پس بگیرم

**وزیر مالیه** - هم در درجه اول هم در درجه آخر مقصود بنده این است که این بانک نباید بکار سراقی و تجارت اشتغال داشته باشد.

**رئیس** - بالاخره آقا مردم فرمودید **چشمپندی** - من نزد می دارم **رئیس** - پیشنهاد آقای حمزه تاش.

مقام منبع ریاست جلیله مجلس دامت شوکته بنده پیشنهاد می کنم که بدواز ماده ۲ تبصره ذیل اضافه شود:

تبصره ۲ - معاملات بانک فلاحی و صنعتی نباید از فرع صدی شش من حیث المجموع تجاوز نماید

**حمزه تاش** - بنده شخصاً عقیده داشتم پس از زحمت زیاد که بانک فلاحی مورد توجه قرار گرفته و رعایت فلاحین مورد توجه قرار گرفته و کمک بحال آنان منظور نظر است خود آقای وزیر مالیه و آقایان نمایندگان محترم یک توجهات بیشتری فرمایند یعنی عقیده داشتم که فرع را صدی پنج فرمایند متأسفانه با پارلمانی که دیروز آقای مدلل در جلسه خصوصی فرمودند آقایان مخیر و وزیر مالیه هر دو در نلو فرمایند نشان فرمودند که ممکن است صدی ده هم بشود شاید مقتضیات طوری باشد که ناسدی ده هم برسد. خوب باین ترتیب که رعایتی نسبت بحال فلاحین نشد و در موقع خودش دیده شد که عملیاتی که بانک ملی و غیره می کنند از صدی نه و صدی ده فرع معین می کردند اگر این قسم باشد که نتیجه نخواهد گرفت بنابر این بنده پیشنهاد کردم که همان صدی شش را لا اقل تخصیص بدهند که دیگر اضافه نشود بان از قبیل حق کمیون و غیر کمیون و اینها

**مخیر** - راجع بفرع در جلسه قبل هم عرض کردم

این جا باید نظر این باشد که بانک فلاحی بعد از تأسیس انتظار دخل و دفع داشته باشد اما ضرر هم نباید بکند جهت اینکه سرمایه بانک یا متعلق بدولت یا اشخاصی که سهام می خریدند و این اداره بانک در هر حال آقا بانک مخارجی دارد و این مخارج را در کدام قسمت بانک خواهد گذاشت؟ افرادی که علیحده یک وجهی برای مخارج اداره بانک که نمی دهند خرج هم ندارد این مؤسسه بالاخره یک قسمت از عوایدی که حاصل وعاید می شود باید صرف مخارج اداره بشود حالا این بنده است بهر حال مخارج وقتی که یک بانک سهامی تشکیل شد و صاحبان سهام تشکیل مجمع عمومی و هیئت مدیره را دهند نظارت کامل در خرج می کنند که حتی الامکان مخارج کم باشد بهر حال که مخارج اقتضاء بکند باید فرع را منظور بدارند برای بعد (صحیح است) حالا ممکن است صدی چهار بشود ممکن است صدی پنج بشود ممکن هم هست که صدی نه بشود صدی ده بشود آقا می فرمایند که پیش نمی رود امروز در ولایات اگر درست دقت فرمائید از صدی بیست و چهار هم شاید بیشتر فرع تحصیل می کنند مردم و صدی شش و صدی نه منحصر است به معاملات بانک یعنی بانک ملی نه بانک دیگری و نه هیچ فردی باین میزانها کمک نمیکند و البته بانک فلاحی هم چون نظر قمع بردن ندارد سعی خواهد کرد که ریح را کمتر بگیرد ما نمی توانیم این جا بگویم که حتماً صدی شش باشد ممکن است کمتر یا بیشتر شود و با اقتضای موقع فرق کند مگر این که یک ماده هم اضافه کنیم که اگر دهد نشد حتماً از سرمایه خودش بدهد و لو این که با ضرر باشد و این را ما نمی توانیم نسبت به پول اشخاصی که آن جا گذاشته اند تکلیف معین کنیم باید بگذاریم در همان اساسنامه به میزان خرجی که در نظر گرفته اند میزان فرع را معین کنند.

**رئیس** - آقا حمزه تاش - **حمزه تاش** - مقتضیات ممکن است طوری باشد که نشود فرع را کم فرار داد بنده به آن تشکیلات است یک وقتی بنده خوب خاطر دارم که اداره طومار بانس فریب بازده بدیون داد و ستد میکرد اعضایش روی هر فرقه شاید صنعت

فر هشتاد نفر بیشتر نبود البته مقتضیات اداره یک وقتی هم جور خرج را ایجاد میکند این گناه مقتضیات بانک گناه لایستی است اگر بخواهند کم خرج کنند ممکن است و منفعت هم میکند اگر بخواهند زیاد هم خرج کنند ممکن است البته همه نوع می تواند و تصور میکنم صدی شش ضرر و زیانی برای بانک نداشته باشد

**وزیر مالیه** - قبل از رأی باید عرض کنیم که این به منفعت فلاحت و مردم نیست همچو چیزی فرمائید ممکن است نوشته شود صدی دو بگیرند آنوقت لازم است زیرش هم بنویسند هر کس آمدیم بانک مجبور است بانک باو فرض بدهد برای این که خوب نبوده اگر صدی شش نوشته شود ممکن است ضرر بکند در بعضی مواقع و ندهد ولی در بعضی مواقع ممکن است صدی شش بدهد و هر اندازه که پول در مملکت ارزشم دارد او خواهد داد یک وقتی فرع پول بالا می رود بکوقت پائین می آید الآن در فرنگستان فرع پول بقدری پائین آمده است که صدی نیم هم بزرگت میدهند. یک وقتی صد هشت هم میدادند در بعضی نقاط حالا فرض کنید پول بالا رفت آنوقت بانک فلاحی این پولش را خواهد گذاشت پیش بانک ملی یا پیش بانک شاهنشاهی و صدی هفت ممکن است فرع بگیرد خوب این پول را نمیدهد صدی شش مردم چون در درجه اول یک تجارتخانه است که باید فایده اش را مراقبت کند هم پولش را به مصرفی که مفید باشد مردم برساند و هم رعایت منافع خودش را بکند این را شرط نمیکند اگر قانون عمومی در مملکت بدانقیم ممکن بود گفته شود شاید صدی بیست گرفت این را باید جلو گیری کرد ولی خدا علی برای فرع معاموم است حالا بانک ملی چرا صدی دوازده نمیگیرد در صورتیکه خدا علی از صدی دوازده هم بیشتر است ولی جریان مملکت حالا صدی نه است گاهی ممکن است صد هشت بشود آنوقت همین کار خواهد کرد و اگر مفید بکنیم ممکن است ضرر بکند و فایده نکند آنوقت مجبور هم نیست که مردم بدهد ولی بعضی مردم که گرفتار هستند حاضر هستند صدی ده هم بگیرند برای اینکه کار کشالی از او بشود آنوقت می روند و بانک می گویند که ما نمیدهم آنوقت آرزو میکند کاشکی



فرع دوبرابر می شد و این پول می رسید و اگر این شرط را بکنیم من گمان میکنم که برای خود مردم اسباب زحمت بشود و مفید نباشد.

**رئیس** - رأی بیکریم آقایانکه تیسره پیشنهادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند قری قیام کردند) تدوین شد. پیشنهاد آقای شریعت زاده قرائت می شود: پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بر قسمت اخیر ماده دوم اضافه شود:

دولت مکلف است شرایط اختصاصی معاملات بانک فلاحی را راجع به فرع و موعد و اقساط پنجوی که توسعه فلاح و صنعت تأمین و مدعین حال از ضرر بانک جاو گیری شود در نظامنامه مخصوصی معین کند

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - البته آقایان توجه دارند که این فدی می که از طرف دولت برداشته شده یکی از قدم های مؤثر و مفیدی است که از آقایان استدعا میکنم که در توضیحات بنده راجع به پیشنهادی که تقدیم کرده ام بادت توجه بکنند. پیشنهاد بنده مشتمل بر این فکر است که باید معاملات راجع بانک فلاحی دارای یک شرایط اختصاصی باشد که بواسطه تسهیلات بتوان از وجود این بانک برای ترویج و توسعه فلاح و صنعت استفاده کرد حالا وقتی که فکر میکنم می بینم که نکات اساسی چیست یکی مجاز بودن دولت برای توسعه معاملات. یکی فرع معاملات است. یکی هم کیفیت پرداخت است. این سه مطلب است چون آقای وزیر مالیه و دولتی که ایشان با آن کار میکنند همیشه حسن عقیده دارند و میخواهند حتی الامکان معاملات زیادتر بشود این نظر مورد قبول است ولی باید يك مجوز قانونی هم داشته باشد اگر ما در قانون میخواهیم تصریح بکنیم يك فرع معینی را این نظریه قوه مقننه و این روح باید تأثیر کند یعنی مقصود از رئیس بانک چیست که شرایطی که بموجب آن معاملات را تسهیل میکند چه نوع باید باشد و چه امری باید ارزش ناشی شود این پیشنهادی که من کردم این است که دولت در يك نظامنامه باید شرایط اساسی معاملات را معین کند و آن

شرایط اساسی راجع به قسمت است یکی راجع به فرع است یکی راجع به اقساط است و یکی راجع به کیفیت پرداخت است. بنده تصریح کرده که این شرایط باید در نظامنامه به کیفیتی تنظیم شود که در نتیجه اجرای آن اولاً مقصود اصلی که توسعه صنعت و فلاح باشد حاصل باید و مدعین حال بانک متضرر نشود. پس قبول این نظریه اصلی و اساسی مجلس شورای ملی برای دولت اشکالی ندارد و بر طبق این دولت می تواند که این مقاصد را تأمین کند بنویسد و در آن نظامنامه شرایط اختصاصی را که خیلی مؤثر است در وصول به آن نتیجه در نظر بگیرند و استدعا میکنم که آقایان يك دفعه دیگر توجه فرمایند و این پیشنهادی که بنده تقدیم کرده ام يك نوبت دیگر هم قرائت شود بعد نظریه خودشان را بفرمایند (پیشنهاد مجدداً بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بر قسمت اخیر ماده دوم اضافه شود:

دولت مکلف است شرایط اختصاصی معاملات بانک فلاحی را راجع به فرع و موعد و اقساط پنجوی که توسعه فلاح و صنعت تأمین و مدعین حال از ضرر بانک جاو گیری شود در نظامنامه مخصوصی معین کند

**وزیر مالیه** - مقصود از ایجاد قانونی برای تشکیل

بانک فلاحی روز اول هم عرض کردم اجازه گرفتن از مجلس شورای ملی است که دولت مجاز باشد که وجوهش را پیش بانک بگذارد یعنی بانک بدهد و منتقل بکند باین بانک و چون این وجوه متعلق به دولت است اجازه داشته باشد که باین بانک بدهد و اینکه بانک فلاحی در جریان عملش چه ترتیب بکشد بشکایتش چه طور باشد اقساط را چه طور معین کند هیچ ارتباطی قانون ندارد اگر در خود قانون قبول و شرایطی برای بانک بگذاریم هر شرطی که منافی جریان کارش باشد اسباب این خواهد بود که بانک کارش مختل می شود و متزلزل می شود و اقسام پیدا نمیکند حالا اینجا بانکهای دیگری هم داریم مگر آنها يك چیز چیزی دارند فقط يك اساسنامه دارند اگر منظور از نظامنامه اساسنامه است این بانک شرکت سهامی است و شرکت سهامی بدون اساسنامه نمی شود يك اساسنامه مقصودی این بانک دارد که

بانک را از کسبه خودشان میدهم یعنی از بودجه دولتی باید این بانک يك منفعتی هم بکند که آخر سال که بلائش را نشان میدهد يك منفعتی داشته باشد يك شرکت سهامی که آخر سال منفعت نشان ندهد هیچکس بهش اعتماد نمیکند ولی البته منظور آقا حاصل است و جریان امور داخلی و نظامنامه را باید بخودشان واگذار کرد اساسنامه را هم منتشر میکنم و ملاحظه بفرمایند با این توضیحات گمان میکنم خوبست آقا پیشنهادشان را استرداد کند و اعتماد داشته باشند که این منظور حاصل خواهد شد

**شریعت زاده** - مسترد میدارم

**رئیس** - پیشنهادی آقای طهرانی کرده اند

**طهرانی** - مسترد میکنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای طاهر خان قرائت میشود

بنده پیشنهاد میکنم بانک فلاحی در معاملات حق و شش از صدی نه گرفتن فرع را ندارد

**رئیس** - آقای طاهر خان

**طاهر خان** - عرض کنم روزگار ما مالکین فقط برای دادن فرع زیاد ازین رفته است يك عده منتظران فوق العاده در این مملکت پیدا شده اند که بکلی ما را از همه چیز فاقد کرده اند بدون اینکه ما بتوانیم بفهمیم که مالک ما چه قبضتی را دارا خواهد بود این است که این پیشنهاد را بنده کردم و امیدوارم که قبول خواهند فرمود

**مخبر** - آقای طاهر خان روزگار مالکین را خیلی بد می دانند ولی جماعتی هم از مالکین شکایت دارند که چه پلائی سرشان آورده اند بفرمایند که صدی نه بیشتر بگیرند این پیشنهاد سبب می شود که صدی نه ختماً بگیرند از آن گذشته معلوم نیست که این نرخ را برای کسی معین میکنند. يك قسمتی سرمایه این بانک را دولت میدهد و بکسبست را ممکن است صاحبان سرمایه سهام بخرند باید خود آنها بیایند و بنشینند و ترتیب گرفتن فرع را معین کنند الا آن مانع را برای کسی معین میکنم که صدی نه پاصدی شش بدهد این را باید گذاشت در



اساسنامه و استدعا دارم که این حداکثر را معلوم نکند که این حداکثر باقی می ماند  
**طالبخان** - عرض می کنم

**رئیس** - آقایانیکه با ماده دوم - واقف دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده سوم را آقای مخیر اینطور داده اند فرالت می شود:  
ماده ۳ - مواد قانون تجارت راجع بمحدودیت عده آراء صاحبان سهام در تشکیلات و اساسنامه بانک فلاحی وقتی لازم الرعایه خواهد بود که بیش از دوعشر سهام بانک در دست افراد مردم باشد

**مخیر** - چون این بانک يك شركت سهامی خواهد بود و قهراً تابع قانون تجارت در قسمتهای شركت سهامی باید باشد ساجاً برای این بانک ملی هم يك همچو قیدی شد چون در شرکتهای سهامی مطابق قانون تجارت برای تشکیل مجامع عمومی يك شرایطی معین شده است که حضار چند نفر باید باشند و چه عده اند صاحبان سهام باید حاضر باشند تا مجمع عمومی رسمیت پیدا کند ولی در این شرکت هنوز عده صاحبان سهام و شرکاء معلوم نیست فعلاً دولت به تنهایی در این جا سهم است و هیئت مدیره و کارهای بانک راهی از صاحبان سهام که دولت باشد تشکیل میدهد. ساجاً برای بانک ملی و بهلوی هم یکماده گذشت که ناوقتیه که پیش از يك عشر سهام در دست مردم نیست رعایت آن مواد محدودیت عده آراء صاحبان سهام در تشکیل هیئت مدیره و غیره رعایت نشود و حالا چون این بانک هم در همان حال است اگر بخواهند منتظر شوند که عده صاحبان سهام بحد نصاب برسند و تشکیل بدهند شاید يك مدتی طول بکشد این است که پیشنهاد شده است و با موافقت وزارت مالیه اینطور در نظر گرفته شده است برای اینکه فوراً بتواند کار کند در این جا قید شود ناوقتیه که بیش از دو عشر سهام در دست افراد مردم نیست آن مواد قانون تجارت راجع بمحدودیت عده آراء را لازم الرعایه نداند (صحیح است)

**رئیس** - آقای موبد احمدی

**موبد احمدی** - بنده سؤال میکنم انوقت ماده سه سابق ماده چهار می شود یا آن برداشته می شود  
**مخیر** - البته ماده سه میشود ماده سه سابق ماده چهار خواهد شد.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده سه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده چهارم فرالت می شود:  
ماده چهارم - این قانون از تاریخ تصویب مجری و قانون نهم شهریور ۱۳۰۹ راجع بتأسیس شعبه فلاحی بانک ملی مافی خواهد بود.  
بعضی از نمایندگان - اشکالی نیست

**رئیس** - موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است. آقای روحی  
**روحی** - چون وقت تنگ شده است بنده - می میکنم مختصراً يك تذکری بدهم مقصود از این قانون رفاهت حال مالکین و بزمایش آقای وزیر مالیه کشایش حال فلاحین است طرز معامله بانک را خیلی میل داشتیم در این قانون اقلاً يك گوشزدی می شد ولی اتفاقاً بهیچوجه اسمی از این کار برده نشد ولی نمونه که در دست است بانک رهنی است که الا آن دارد معامله میکند و تقریباً يك نمونه ایست از این بانک بانک رهنی را آمده اند مقومایش را ملزم کرده اند که اگر شما يك چیزی را گران قیمت بکند و باعث زیان بشود خودتان مسئول هستید و او باید در مقابل ودایع يك قیمتی بکند که این مسئولیت برای او پیدا نشود این است که آنها می آیند جنسی را که تقریباً صد تومان می ارزند و او شصت تومان قیمت میکند و از شصت تومان هم بیست و ستان تومان پول میدهند و این در واقع جز اینکه وقت مردم ضییع می شود و نتیجه نمیگیرند چیز دیگری نیست وغالباً هم شده است که باعث ضرر برای خیلی از مردم شده است حالا میخواهم بدانم این بانک فلاحی هم همین کار را خواهد کرد؟ مثلاً يك ملکي پنجاه هزار تومان قیمت دارد می آیند و می گویند بازده هزار تومان و پنجاه هزار تومان پول میدهند اگر این طرز است که این

طرز تقویم موجب فایده نیست و باید طرز تقویم را بطوری عادلانه کند که آن چیزی که و قداً ملك می ارزند در نلتش را پول بپردازند و مثل بانک رهنی نکنند که اشخاص بتوانند از آن سرمایه نتیجه بگیرند ولی بنده تصور میکنم که اینجا هم يك مقومینی دارد برای اینکه يك حقوقی بگیرند و کار کنند مجبور هستند که املاک مردم را با قیمت نازل تقویم کنند و از آن تقویم هم يك نكته بدهند بدست مردم و این هیچ نتیجه میدهد بنده خواستم از آقای وزیر مالیه استدعا کنم که در اساسنامه این موضوع را رعایت کنند که از این باب مالکین زیان نبرند که آن ملك بقیمت واقعی خودش قیمت شود و لا اقل دو نكته از قیمت را هم مالك حق داشته باشد و بتواند استفاده کند.

**مخیر** - بنده از آقایان رفقای خودم خواهش میکنم که با اصلاح سرود یاد مسان ندهند یعنی در این الاچه نوشته شده است که ملك گرو بگیرند و پول بدهند که بعضی از آقایان میگویند بت اسناد شده باشد یا باشد این جا فقط اشاره شده است باینکه فلاحین و صاحبان صنایع کمک میکنند و پول بدهند ممکن است ضمانت شخص مضیری بدهند ممکن است با گرو گذاشتن چیز دیگر پول بدهند ممکن هم هست ملك گرو بگیرند با ممکن است باعتبار شخصی اشخاص پول بدهند اینکه می مقید میکنند آقایان که از روی آن قانون سابق که حکماً باید ملك گرو بگیرند در این قانون همچو چیزی نیست اینکه در قانون سابق و در قانون بانک ملی بکنندری سخت معین شده باید آقایان این نكته را رعایت کنند که

سرمایه این دو بانک هر دو اختصاص بدولت داشت و صاحبان سهام خارجی نداشت بنی دولت از سرمایه خودش معین کرده بود که يك مبانی بدهند باین بانکها و در بانک رهنی هم همینطور بود. البته می بایستی نهایت دقت را برای تقویم آن چیزی که بانک داده می شود بشود که معتبر باشد که در آخر کار پول دولت از بین نرفته باشد منتهی وقتی که میگوئیم دولت وزیر مالیه با هیئت دولت که نمیروند در بانک بنشینند معامله کنند يك اشخاصی را معین میکنند که آنها هم برای حفظ مسئولیت خودشان ناچارند يك دقت های بیشتری بکنند و اموال را قیمت بکنند فرضاً يك ملكي را کمتر از معمولش قیمت کردند این برای تحکیم محل آن وجهی است که دولت باشخاص میدهد و میخواهد در موقع برسد و رأس موعد هم اگر ندادند بترتیب مزایده و حراج بفروش می رود اگر چیزی زیاد بود که بخاصش پس میدهند اگر زیاد نداشت که هیچ پس اینها را نمی شود ایراد پیش گرفت و در اینجا چون صورت شرکت پیدا میکند این تشریفات را بند معین کنند بهتر است و مقید هم نخواهد بود باملاك بهر وسیله که اسباب اطمینان بانک فراهم بیاید می تواند پول بدهد و منحصر قیمت باینکه روی املاک بت شده و غیر آن پول بدهند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**رئیس** - آقایان موافقین ورقه مقید خواهند داد (اخذ و تعداد آراء بعد آمده ۱۱۱ ورقه - ضد شماره شد)  
**رئیس** - عده حاضر در وقت اعلام رأی ۱۱۴ نفر با کزیت ۱۱۱ رأی تصویب شد ++

- اساسی رأی دهندگان - آقایان خواجوی - دبستانی - مؤید احمدی - ملك زاده آملی - حسن خان فراگرو - فرشی - بیات بونی آقا و ماژراده - اسدی - میرزائی - اورنگ - حسن اذ مهدوی - مقفی - اسکندری - بیات ماکو - کورس - فردوسی - پناهی - دکتر قول ایلی - دکتر سنگ - احمد - امامی - مقدم - طباطبائی و کلبلی - قنوجی - مسودی خراسانی - نیک پور - جیموری - دکتر سیدی شریقی - حسینی میرزا دولتشاهی - دادور - انبال - نامری - عراقی - معتمد سنگ - طباطبائی دیبا - لاریجانی - لیتوانی - دکتر ادهم هزار جرسی - جرجانی - دکتر امیر اعلم - ایزدی - نوبخت - باستانی - اعتبار - حمزه تش - مجد صبائی - میرزا علیخان و کلبلی - بیریا - آصف - صفاری - رهبری - امیر تیمور - سرآت اسفندیاری - انقسی - دکتر شیخ - یوز سرتیب - دیر - سهرابی - کارزویان - مزدقی - شریعت زاده - بهمانی - مولوی - طهراچی - دکتر بهرامی - کارزویی - اورگانی - امیر ابراهیمی - سهرابخان - اکتیان - یارسان - بنگدار - دکتر طهری - بختیار - دهستانی - دکتر افغان - محیط - طالش خان - میرزا موسی خان سرآت - نواب یزدی - چشیدی - قهیبی سلطان شیخ الاسلامی - ملك مدنی - حاج تقی آقا و ماژراده - روحی - انتشار - علوی سیزواری - دیوبانی - دکتر ضیاء - هدایت - غیر فرزند - مصنف - میرزا یاسین - تربیت - شیرازی - کاشف - کفائی - احسانزاده - ثقة الاسلامی - دکتر احشام - حاج میرزا احمد شیخان طاطبی میرزا محمد خان و کلبلی - سید کاظم یزدی - حاج محمد رضا بهمانی - دکتر ملك زاده - شاهرودی - انسر - امیر حسینخان یغتیاروی - مدلل - حاج غلامحسین ملك - مؤید قوامی .



[ ۵ - تقدیم لایحه فروش قصبه شبستر خالصه باعالی ]  
 وزیر مالیه - بنده يك لایحه مختصری دارم تقدیم  
 میکنم که عبارت از فروش يك ملك خالصه است یا اهل  
 آنجا يك قصبه است در آذربایجان قریه هم نیست قریه  
 بوده و قصبه شده شبستر است اینها تقاضا دارند که حالا  
 از اینها مالیات ممیزی گرفته شود و منال گرفته نشود ما  
 هر کاری کردیم که بتوانیم با اینها يك کاری بکنیم چون

قانونی ندارد نمی شود کاری کرد این است که یکماده  
 مختصر قانونی است تقدیم مجلس می شود در اجتمع پایتود شروع  
 [ ۶ - مواعع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
 رئیس - ما چیز دیگری در دستور نداریم جلسه را  
 ختم میکنیم جلسه آینده یکشنبه ۲۸ خرداد سه ساعت قبل  
 از ظهر دستور همین دو لایحه تقدیمی امروز  
 ( مجلس نمی و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد )  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

تمدید مدت تحصیلی سی قمر محصلین قنون عملی راه آهن

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت طرق اجازه می دهد مدت تحصیلی سی قمر محصلین قنون عملی راه  
 آهن مقرر در قانون بیست و ششم مهرماه ۱۳۰۹ را از تاریخ اتمام دو سال ناشش ماه تمدید نماید و مخارج آنها را  
 از محل عایدات انحصار قند و شکر از وزارت مالیه دریافت دارد.  
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و یکم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی تصویب  
 مجلس شورای ملی رسید  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

اجازه تأسیس بانک فلاحی و صنعتی سهامی

ماده اول - دولت مجاز است بانک فلاحی و صنعتی با سرمایه بیست میلیون ( ۲۰۰۰۰۰۰۰ ) ریال  
 تأسیس نماید. از باب تأسیس قسمتی از سرمایه این بانک دولت تمام دارائی بانک ایران از منقول و غیر منقول و  
 مطالبات و غیره و دارائی فعلی شعبه فلاحی بانک ملی ایران را ( که پس از رد طلب صندوق قاعد از طرف دولت  
 منتقل شده است ) بانک فلاحی و صنعتی جدید تأسیس اتمقال خواهد داد.  
 منافی که بابت سهام دولت عاید می شود تا آخر ۱۳۱۶ بر سرمایه بانک اضافه خواهد شد  
 وزارت مالیه می تواند يك قسمت از وجوه موجود و آزاد خزانه را نزد بانک فلاحی و صنعتی امانت بگذارد و  
 همچنین از خالصجات دولتی بشرابطیکه هبت وزراء تعیین خواهد نمود بدون آنکه مزایده لازم باشد به بانک مزبور  
 اجازه بدهد  
 وصول مطالبات و تأدیبه فروض بانک ایران و شعبه فلاحی بانک ملی نیز بعهده بانک فلاحی و صنعتی بوده  
 ولی تأدیبه فروض بانک ایران موقوف به وصول مطالبات آن خواهد بود  
 تبصره - مقررات قانونی که در موضوع مطالبات بانک ایران و محاکمات مربوط به آن مجری است عیناً درباره  
 همان امور با وجود اتمقال به بانک فلاحی و صنعتی مجری خواهد ماند  
 ماده دوم - بانک فلاحی و صنعتی سهامی ایران می تواند کلیه معاملات را برای بسط فلاحی و صنعتی ملکات  
 بنماید.  
 ماده سوم - مواد قانون تجارت راجع به محدودیت عده آراء صاحبان سهام در تشکیلات و اسانامه بانک  
 فلاحی وقتی لازم الرعایه خواهد بود که بیش از دو عشر سهام بانک در دست افراد مردم باشد.  
 ماده چهارم - این قانون از تاریخ تصویب مجری و قانون نهم شهریور ۱۳۰۹ راجع به تأسیس شعبه فلاحی  
 بانک ملی ملغی خواهد بود  
 این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه بیست و یکم خردادماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی  
 تصویب مجلس شورای ملی رسید  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر